

آغاز نهضت روحانیت
با لایحه جنجالی

اولین اقدام دولت علم همان چیزی بود که در مصاحبه اش قول داده بود. علم طبق برنامه اعلام شده قبلی، یکی از فرامین ۶ ماده‌ای شاه یعنی تشکیل انجمن‌های ایالتی و ولایتی را به اجرا گذارد. در ۱۴ مهر ۱۳۴۱، لایحه انجمن‌ها در ۹۲ ماده و ۱۸ تبصره به تصویب رسید. بدین ترتیب خبر لایحه در ۱۶ مهر در روزنامه کیهان و اطلاعات منعکس شد.

پس از انتشار لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی توسط دولت، سه موضوع حساسیت علماربرانگیخت: عدم اشتراک عضویت به مسلمانی؛ قسم به کتاب آسمانی به جای سوگند به قرآن؛ اشکال علما در این بود که نظام سیاسی مشروطه با فداکاری و پشتیبانی علما و نیروهای مذهبی به ثمر رسیده بود. حتی روشنفکران غیر مذهبی نتوانسته بودند از سایه مذهب و روحانیت در قانون اساسی و قوانین دوره‌های اول تا پنجم مجلس شورای ملی ممانعت به عمل آورند. لذا هرچه روحانیت و مذهب در عمل کنار گذاشته شد، در قانون به عنوان عناصر اصلی و ارکان نظام جایگاه خود را حفظ کرد.

پرچمداری امام خمینی

شعائر دینی کوشا هستیم و این تلگراف برای دولت ارسال می‌شود. بدین ترتیب روحانیت قم به رهبری امام خمینی و حضرات آیات گلپایگانی و شریعتمداری که از نامه‌نگاری خود با شاه پاسخ و نتیجه لازم را نگرفته بودند، نوک حمله و انتقاد خود را متوجه رئیس دولت یعنی اسدالله علم کردند و طی تلگرافاتی خطاب به علم خواستار لغو تصویب نامه انجمن‌های ایالتی و ولایتی شدند.

امام خمینی در تلگرافی برای اسدالله علم نخست‌وزیر فرستادند که در قسمتی از آن چنین آمده بود: «در تعطیل طولانی مجلسین دیده می‌شود که دولت اقداماتی را در نظر دارد که مخالف شرع اقدس و مباین صریح قانون اساسی است... در خاتمه یادآور می‌شود که علمای اعلام ایران و اعتبار مقدسه و سایر مسلمین در امور مخالفه با شرع مطاع ساکت نخواهند ماند و به حول و قوه خداوند تعالی امور



به دنبال اعلان تصویب لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی در ۱۶ مهر توسط روزنامه‌ها، آیت‌الله خمینی ابتکار عمل را به دست گرفت تا مراجع با وحدت موضع، به رسالت خود عمل نمایند. امام خمینی در یک نشست نقشه‌های استعمار و امپریالیست را برای مراجع تشریح کرد. امام خمینی در پشت این لایحه دست استعمار را می‌دید. امام، تصویب لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی را نمونه‌ای از توطئه‌های استعمار معرفی کرد و مسئولیت علما را در مقابل استقلال کشور و حفاظت از اسلام یادآوری کرد. نخستین تلگراف امام خمینی به شاه در باره همین موضوع بود. در بخشی از این تلگراف آمده است: «به طوری که در روزنامه‌ها منتشر شده است، دولت در انجمن‌های ایالتی و ولایتی اسلام را در رأی دهندگان و منتخبان شرط نکرده و این امر موجب نگرانی علمای اسلام و سایر طبقات مسلمین است.» حضرات آیات گلپایگانی و شریعتمداری نیز طی نامه‌هایی تقریباً مشابه به شاه، خواستار لغو تصویب نامه انجمن‌های ایالتی و ولایتی شدند. اما شاه که در نظر داشت تصویب نامه فوق لغو شود و گویا قدرت روحانیون را نیز در حدی نمی‌دید که بتوانند به طور جدی با رژیم وارد چالش و درگیری شوند، در پاسخ نامه‌های ارسال شده نوشت: «... پاره‌ای قوانین که از طرف دولت صادر شده و می‌شود چیز تازه‌ای نیست و یادآور می‌شویم که ما بیش از هر کس در حفظ

بازگشت شاه پس از کودتا

متن قانون
انجمن‌های ایالتی و ولایتی

انجمن‌های ایالتی و ولایتی در ایالات و ولایات حق وضع عوارض دارند

انجمن‌های مذکور در مصارف اعتبارات فرهنگی، بهداشتی، ارباب‌نظمی و کشاورزی حق رسیدگی و سوال دارند.

انجمن‌های ایالتی و ولایتی در اجرای برنامه‌های عمرانی در شهرستان‌ها و استانیات کشور نظارت می‌کنند.

نصوبینامه
ولایتی اجرا نمی‌شود

درباره لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی مجلس آینده تصمیم خواهد گرفت

تدبیر امام برای لغو رسمی



تحلیل‌شان این بود که شاه از طرف آمریکا مأمور است این عمل را انجام دهد. لذا در طول مبارزه همواره نگرانی خود را به خطر افتادن استقلال کشور می‌دانستند. آیت‌الله گلپایگانی در اولین نامه خود به شاه، در مورد لایحه انجمن‌ها انگیزه خود را از تذکر به شاه علاقه به حفظ مصالح عالیه دین

این بار امام در نامه دیگری به شاه نوشتند: «... انتظار ملت مسلمان آن است که با امر اکید آقای علم را ملزم فرمایند از قانون اسلام و قانون اساسی تبعیت کند و از جسارتی که به ساحت مقدس قرآن کریم نموده، استغفار نماید والا ناگزیرم در نامه سرگشاده به اعلیحضرت مطالب دیگری را تذکرده‌ام... روح‌الله الموسوی‌الخمینی» سرانجام هیأت دولت تصمیم گرفت لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی را از دستور کار خود خارج سازد.

اسدالله علم در پیامی به مراجع اعلام کرد که این لایحه به اجرا در نخواهد آمد اما امام خمینی اصرار داشت که اعلام لغو این لایحه باید رسماً در جراید کثیرالانتشار منعکس گردد. دولت علم سرانجام ناچار شد این لایحه را در ۱۰ آذر ۱۳۴۱ لغو کند و در جراید اعلام نماید که به تصویب هیأت وزیران، مصوبه انجمن‌های ایالتی و ولایتی قابل اجرا نخواهد بود.

روزنامه اطلاعات، عصر آن روز با تیتر درشت از قول نخست‌وزیر نوشت: «تصویب نامه انجمن‌های ایالتی و ولایتی اجرا نمی‌شود.» مرجعیت شیعه از آغاز تصویب لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی فهمید که برای تضعیف اسلام و استقلال ایران دست‌هایی از خارج مرزها در کار است. حضرت امام

حضور مردم در صحنه

در پی این روشنگری‌ها، مردم نیز مخالفت خود را با مصوبه انجمن‌های ایالتی و ولایتی به صورت تعطیلی بازار و گردمایی در مساجد و سخنرانی‌های متعدد نشان دادند. گروه‌ها و جمعیت‌های دیگر نظیر جامعه اهل منبر تهران، اصناف مختلف تهران، روحانیون شمیران، بازرگانان و اصناف تهران و... طی صدور اعلامیه‌هایی خطاب به مردم و اسدالله علم اعتراض خود را به تصویب نامه هیأت وزیران درباره انجمن‌های ایالتی و ولایتی اعلام کرده و خواستار توقف آن شدند.

اسدالله علم نخست‌وزیر جهت جلوگیری از گسترش دامنه اعتراضات و مخالفت‌ها در شهرهای مختلف کشور، بالاخص در شهرهایی که قدرت معنوی روحانیون در بین مردم بیشتر مشهود بود، نظیر تهران و قم، اقدامات امنیتی و پلیس مخفی را به مورد اجرا گذاشت تا با به وجود آوردن جو ارباب و ترس به مخالفت‌ها و اعتراضات پایان دهد. اما این اقدامات امنیتی چندان مثر و ثمر واقع نشد و بار دیگر موجی از تلگرافات و نامه‌های تند و انتقادآمیز از سوی علمای روحانی به طرف شاه و اسدالله علم ارسال شد.

مبین اسلام و «امنیت و استقلال کشور» اعلام کرد. امام خمینی نیز در اطلاعیه‌ای اعلام کرد که اعلام می‌کنم ما برای حفظ استقلال مملکت شیعه و حمایت از دین همه گونه مصیبت‌ها را استقبال خواهیم کرد. علمای نجف و جامعه روحانیت تهران در اطلاعیه‌هایی که دادند همه بر این نکته پای فشردند که استقلال کشور در خطر است. نه تنها مراجع نگران دست‌های پنهان استعمارگران تاریخی در جریان اصلاحات شاه بودند، بلکه اکثریت روحانیت نیز همین عقیده را داشتند. حضرت امام در سخنرانی آخرین روز سال ۱۳۴۱ تصریح کردند: «در این سال استعمار توطئه‌هایی را علیه اسلام تدارک دیده است. عمال پلید استعمار به قرآن جسارت کردند و برای پامال کردن احکام نورانی قرآن نقشه کشیدند، طراحی کردند و...» حضرت امام برای اینکه جنگ واقعی روحانیت و رژیم را مشخص کنند، فرمودند: «مری ما امریکا نیست، مری ما خداست.» امام خمینی در گام بعد نیز چنین کرد. یکی از عصبانیت‌های مهم رژیم این بود که امام بدون اینکه به محتوای لایحه انقلاب سفید بپردازد، به پشتوانه انقلاب سفید که همان استعمار امریکا بود، می‌پرداختند.



اسدالله علم در پیامی به مراجع اعلام کرد که این لایحه به اجرا در نخواهد آمد اما امام خمینی اصرار داشت که اعلام لغو این لایحه باید رسماً در جراید کثیرالانتشار منعکس گردد. دولت علم سرانجام ناچار شد این لایحه را در ۱۰ آذر ۱۳۴۱ لغو کند و در جراید اعلام نماید که به تصویب هیأت وزیران، مصوبه انجمن‌های ایالتی و ولایتی قابل اجرا نخواهد بود